

# نقش اصول اخلاقی خانواده در تربیت اسلامی فرزندان

محمد رضا سلیمی<sup>۱</sup>

محمد رضا احمدی<sup>۲</sup>

## چکیده

خانواده، تنها نظام اجتماعی است که در جوامع مذهبی و غیر مذهبی پذیرفته شده و توسعه یافته است و از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری باورها و تربیت انسان است. با بررسی و دقت در متون دینی، می‌توان به اصول اخلاقی مهمی پی برد که در فرایند تربیت، نقش اساسی و بسزایی دارند و فقدان آن‌ها صدمات جبران‌ناپذیری را به فرایند تربیت وارد می‌کند. از این رو تحقیق حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، با محور قرار دادن متون و منابع دینی، هشت اصل از اصول اخلاقی خانواده برای تربیت اسلامی فرزندان را بیان می‌کند تا فرایند تربیت فرزند با مطلوب‌ترین درجه به ثمر برسد. یافته‌ها نشان داد که اصول تقوا، عزت و احترام متقابل، ایثار و بخشش، حسن معاشرت، محبت و عطف، صبر و بردباری، شادابی و حیا در هر خانواده‌ای لازم است و فقدان و یا کم‌رنگ بودن این اصول ابتدا به والدین و سپس در تربیت فرزندان، آسیب و خلل جدی وارد می‌کند.

واژگان کلیدی: اصول اخلاقی، خانواده، اخلاق در خانواده، تربیت اسلامی، فرزندان.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدرسی اخلاق اسلامی دانشگاه معارف (نویسنده مسئول). mohmadrezasalimii@gmail.com

۲. دانشیار گروه روانشناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی. M.r.ahmadi313@gmail.com

## مقدمه

خانواده، نخستین و اصلی‌ترین نهاد در هر جامعه است. این نهاد از اعضای شامل پدر، مادر و فرزند تشکیل می‌شود که همگی حقوق و تکالیفی در برابر یکدیگر دارند. رابطه صحیح میان والدین و فرزندان، اساس شکل‌گیری همدلی و شایستگی‌ها و شخصیت فرزندان خانواده به شمار می‌آید و نقش حیاتی در ایجاد امنیت و محبت میان فرزندان دارد. این رابطه، نخستین معرف جهان ارتباطات برای فرزندان خردسال به شمار می‌آید و پیدایش و رشد احساس محبت، رابطه مستقیمی با این امر دارند (خان‌زاده و میرزایی کوتناپی، ۱۳۹۶، ص ۸۴). خانواده، اولین کانونی است که فرد در آن قرار می‌گیرد و اولین تأثیراتی که فرد دریافت می‌کند، از محیط خانواده است (اسلام‌زاده، اسماعیلی و کاظمیانی، ۱۳۹۶) از آنجا که یکی از اهداف تشکیل خانواده، کمک به اصلاح فرد و جامعه است و جامعه با وجود افراد صالح و متعهد پا برجاست. بنابراین برای رسیدن به جامعه سالم و صالح باید از خانواده و از تربیت فرزند شروع کرد و از آنجا که پدر و مادر ارکان اصلی خانواده برای تربیت هستند، بررسی نقش و مسئولیت آن‌ها بیش از هر چیز لازم به نظر می‌رسد (شهیری، ۱۳۹۱، ص ۳۶). اسلام، دینی است که همواره بر تربیت فرزندان و نسل مطلوب جامع تأکید کرده است. بنا بر متون اسلامی، فرزندپروری فعالیت پیچیده شامل رفتارها، آموزش‌ها، رابطه‌ها و روش‌هایی است که جدا و در ارتباط با یکدیگر بر رشد معنوی و عاطفی فرزند در ابعاد فردی و اجتماعی او تأثیر می‌گذارد (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷)؛ چنانکه امام صادق علیه السلام برای فرزند سه حق را بر پدر لازم دانسته است که یکی از آن‌ها، جدیت در تربیت اوست: «فرزند بر پدر سه حق دارد: انتخاب مادر مناسب برای او، نام نیک نهادن بر او و جدیت در تربیت فرزند»<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۲۳۶). بر پایه تعالیم اسلامی، تربیت صحیح فرزند یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های پدران و مادران است؛ از این رو باید به آنان کاملاً توجه کنند و در مسئولیت خود اعتدال را رعایت نمایند؛ زیرا در آخرت نسبت به این مسئولیت بازخواست می‌شوند (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۱). اهمیت تربیت فرزندان از آن روست که مشخصه یک جامعه سالم و رشد یافته، تنها داشتن موقعیت جغرافیایی

۱. «حَبُّ لَوْلَايَ عَلَى وَالِدِي ثَلَاثُ خِصَالٍ: اخْتِيَارُهُ لَوْلَايَتِهِ وَ تَحْسِينُ اسْمِهِ وَ الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ».

خوب و معادن متنوع و منابع مالی نیست؛ بلکه نظام تعلیم و تربیتی زنده و مترقی است که انسان‌هایی آزاده، مستقل، خلاق، مبتکر و تلاشگر پرورش دهد تا جامعه را در زمینه‌های علوم، صنایع، اقتصاد، سیاست و... از عقب‌ماندگی نجات دهند؛ زیرا همه فعالیت‌های ارزشمند، تحولات و پیشرفت‌ها به وسیله اندیشه و تلاش انسان‌ها انجام می‌شود (کاردان، ۱۳۷۲، ص ۱۸). برای تربیت فرزندان خردسال باید اصول اخلاقی نهادینه شده‌ای در خانواده وجود داشته باشد تا ثمربخش‌ترین نتایج به دست بیاید. این اصول اخلاقی، کلی و برای هر تربیت دینی لازم است؛ ولی راه و روش تربیت هر فرد منحصر به فرد است و نمی‌توان برای همگان نسخه‌ای واحد و روش یکسان تجویز کرد.

در این زمینه مقالات متعددی به رشته نگارش درآمده است. شریعتی و صحرايي (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی نقش والدین در تربیت عاطفی کودک با بهره‌گیری از سیره امام رضا (ع)» یکی از اصول مورد استفاده والدین در تربیت فرزندان را تکریم و احترام متقابل، همسویی بینش‌ها، از خود دانستن فرزند، رفتار نیک، خوش رویی، الگو بودن و محبت‌ورزی دانسته‌اند. قمشی و امیدي (۱۳۹۵) نیز در مقاله «درآمدی بر اصول فرزندپروری با تأکید بر سیره علوی» اصول اساسی فرزندپروری در سیره علوی را شامل عزت، محبت، تکریم، آزادی، اخلاق‌مداری، توجه به تفاوت‌های فردی، تدریجی بودن تربیت، همه‌جانبه بودن تربیت و بازی معرفی کرده‌اند. همت‌بناری (۱۳۹۴) نیز در مقاله «اصول فرزندپروری در سبک زندگی اهل بیت (ع)» زمینه‌سازی، پیشگیری، تکریم، تدریج، توجه کردن به توانایی و ظرفیت‌مندی و تحمیل نکردن مسائل به کودک را جزئی از این اصول دانسته و تقوا، محبت و عطف، عزت و احترام متقابل، حسن معاشرت، ایثار و بخشش، شادابی، حیا، صبر و بردباری را از جمله اصول اخلاقی مؤثر در تربیت فرزندان برشمرده و پیش‌زمینه‌های تربیت دینی فرزند را بیان کرده است. قدمی (۱۳۹۴) نیز در پایان‌نامه «اصول حاکم بر تربیت از منظر قرآن با تأکید بر سوره مبارکه فرقان»، ۲۵ اصل تربیتی را استخراج و آن‌ها را به تفصیل بیان کرده است. پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از متون موجود در این زمینه به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده و اطلاعات لازم از منابع، اخذ و جمع‌آوری شده و مورد تحلیل قرار گرفته و سپس ارزیابی و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

## مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به بحث، ابتدا معنا و مفهوم عنوان بحث و برخی از واژه‌ها بیان می‌شود.

### ۱. اصل

اصل در لغت به معنای، ریشه و پایه هر چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۹). در اصطلاح نیز اصل در هر موردی که استفاده می‌شود، به معنای پایه و اساس آن علم به کار گرفته می‌شود. به عبارتی در هر قلمروی از دانش، اصل معنایی متناسب با آن قلمرو است (باقری، ۱۳۹۰، ص ۸۵). بر این اساس در رابطه با دانش اخلاق، اصل به معنای ریشه‌ها و پایه‌های اساسی اخلاق و قواعد اخلاقی است.

### ۲. تربیت

این واژه در لغت به معنای پروردن، پروراندن، آموختن، ترقی و برتری دادن به چیزی یا کسی است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۵۷۷۶). در اصطلاح نیز تربیت به عملی گفته می‌شود که فرد آن را برای تعالی فرد دیگری که فاقد آن باشد، انجام می‌دهد. در تعریف دیگری از تربیت، آن را به معنای سرپرستی از جریان رشد یعنی اتخاذ تدابیر مقتضی برای فراهم کردن شرایط مساعد برای رشد دانسته‌اند (شکوهی، ۱۳۶۷، ص ۶). تربیت در یک تعریف کامل و دقیق‌تر تربیت، عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادها و نهفته‌اش را در تمام ابعاد و به طور هماهنگ پرورش دهد، شکوفا و به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند (امینی، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

### ۳. تربیت اسلامی

تربیت اسلامی به مجموعه اعمال عمدی و هدفدار دین اسلام برای آموزش گزاره‌های معتبر اسلامی به افراد دیگر گفته می‌شود؛ به گونه‌ای که آن افراد در عمل و در نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند شوند. بر اساس این تعریف، تربیت اسلامی منحصر به مسجد یا مدرسه علمیه نیست؛ بلکه در هر جایی می‌توان تلاشی هدفدار برای آموزش معارف دینی انجام داد؛ خواه مسجد باشد یا خیابان یا منزل یا هر جای دیگر (داوودی، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

#### ۴. خانواده

خانواده در لغت به معنای دودمان و تبار است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۹۴۳۸). همچنین به معنای خاندان، اهل خانه، اهل البیت (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۱۱) آمده است. خانواده در اصطلاح نهادی است که بر پایه ازدواج مرد و زن شکل می‌گیرد که با تولید مثل و تولد فرزند توسعه می‌یابد» (همان).

#### اصول اخلاقی خانواده

با بررسی و دقت در متون دینی برای نظام تربیت فرزند، می‌توان به اصول اخلاقی مهمی پی برد که در فرایند تربیت، نقش اساسی و بسزایی دارند و فقدان آن‌ها صدمات جبران‌ناپذیری را به فرایند تربیت وارد می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

##### ۱. اصل تقوا

تقوا از ریشه «وقی» و مصدر آن «وَقَّایَة»، به معنای حفظ شیء از چیزی است که زیان و ضرر می‌رساند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۸۱). از نظر جرجانی، تقوا نزد اهل حقیقت به معنای پرهیز از عقوبت الهی به وسیله اطاعت از پروردگار و در واقع، حفظ نفس از چیزی است که فعل یا ترک آن، انسان را مستحق کیفر الهی می‌کند. تقوا درباره طاعت الهی، به معنای اخلاص و درباره معصیت الهی، به معنای ترک و پرهیز از آن است (جرجانی، ۱۴۰۳، ص ۶۵) فردی که خود را از اهل تقوا و پرهیزگاران بداند، در هنگام بلاها که همه می‌ترسند؛ او در آرامش به سر می‌برد و حتی موجب می‌شود که افراد دیگر را هم تحت تأثیر خود قرار دهد. آرامش از چنین افرادی دور نخواهد شد و آشوب و ترس به دلشان راه نخواهد یافت، آن‌ها به خدا ایمان دارند، خویشتندار هستند و کارهای خود را بر پایه حکمت و عقل ارزیابی می‌کنند؛ زیرا خداوند متعال را منشأ همه چیز و همه کارها می‌دانند (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۸۰).

تقوا در هدایت اندیشه و گشایش بن‌بست‌ها و هشداردهی در مواضع احتمال انحراف و خطر، نقش محوری دارد. قرآن کریم اندیشه لجام‌گسیخته و بدون تقوا را مورد مذمت قرار می‌دهد، آسیب‌های آن را گوشزد و همواره انسان را در رسیدن به سعادت و کمال یاری

می‌کند: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاَنْتُمْ حَرْثُكُمْ اَنْتُمْ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِانْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (بقره: ۲۲۳)؛ «زنان شما، محل بذر افشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آن‌ها آمیزش کنید و [سعی کنید از این فرصت بهره‌گیری و با پرورش فرزند صالح] اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان بشارت ده» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۰۳). در تفسیر انوار درخشان نیز آمده است: «از توصیه به تقوا و یادآوری روز رستاخیز در آیه شریفه، استفاده می‌شود که اجتناب از گناهان عموماً و رعایت طهر و پاکیزگی زنان در هنگام مباشرت خصوصاً، در سعادت و سرنوشت فرزندان اثری قابل ملاحظه دارد» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۱۹). مربی لایق کسی است که موازنه جسم و جان در مرتبه‌ی را در نظر بگیرد و همان‌گونه که به سلامت جسم کودک متوجه است، از سلامت روان او را نیز مراقبت کند و بذر ایمان و فضیلت را از دوران اول زندگی در نهاد او بریزد و او را با درستی و پاکی پرورش دهد (فلسفی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۲).

## ۲. اصل محبت و عطف

عواطف، عامل تأثیرگذاری در بقای زندگی و عامل بسیاری از رفتارها و اندیشه‌ها و تصمیمات است. ارتباط با دیگران در بُعد عاطفی از نظر تأثیرگذاری، نقطه عطف ارتباط با سایر ابعاد وجودی انسان از جمله بُعد عقلانی، اجتماعی و معنوی است؛ زیرا سلامت روانی انسان به سلامت عاطفی او بستگی دارد (شعاری نژاد، ۱۳۹۲، ص ۳۸) محبت واقعی همیشه دوطرفه است و دوطرف را شیفته می‌کند. این محبت دوطرفه، سرآغاز بسیاری از فعالیت‌هاست که اگر به راه مستقیم هدایت شود، منشأ بسیاری از خیرات خواهد شد. محبت به کودک و پاسخگویی به نیازهای عاطفی کودک، موجب اعتماد به نفس و جلب اعتماد کودک می‌شود (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۸). در ارتباط عاطفی، تبادل محبت و عواطف وجود دارد و کمبود و توجه احساسات مثبت از سوی اطرافیان جبران می‌شود و خلأ عاطفی از میان خواهد رفت. این نوع رابطه می‌تواند به صورت ابراز علاقه، گفتگوی دوطرفه و درک طرف مقابل نمایان شود. هر چه رابطه عاطفی شخص با اطرافیان قوی‌تر

باشد، آرامش روانی بیشتری برای او به ارمغان می‌آورد و در میان جمع، صمیمیت بیشتری احساس خواهد کرد (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

فردی که همسر مهربانی دارد، زندگی‌اش نیز دوام بیشتری دارد؛ چنانکه امثال آن را می‌توان در خانواده‌های علما و بزرگان اسلام مشاهده کرد (مهیزی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰). اگر فرزند احترام ببیند و تکریم شود، اعتماد می‌کند و نیرو و انرژی‌اش را در مسیر سالم و سازنده‌ای به کار می‌گیرد. این در حالی است که اگر از صحنه‌های فعال جامعه عقب رانده شود، نیرویش را در مسیر ناصحیح مصرف می‌کند (شرفی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۹). بنابراین محبت والدین و مربی به کودک در حد نیاز، موجب می‌شود کودک نیز آن‌ها را دوست داشته باشد و سخنان آنان را گوش دهد. برقراری رابطه مثبت با کودک، یکی از نخستین اصول فرزندپروری است (امیدی و قمشی، ۱۳۹۵، ص ۲۶۱).

عواطف نقش بسزایی در رشد و شخصیت کودکان دارد؛ چه آنکه کودکان و والدین به کمک عواطف با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا آنجا که هر گونه اختلال در عواطف انسان، موجب ایجاد چالش‌های عمیق در رشد شخصیتی آن‌ها می‌شود. همان‌گونه که تربیت جسمانی و فکری اهمیت دارد، عواطف انسان نیز به پرورش و تربیت نیازمند است (چهری و صفایی مقدم، ۱۳۹۲، ص ۶). فرزندان به دلیل آمادگی ذهنی، سادگی و بی‌آلایشی روحی، پاکی سرشت و انگیزه‌گرایی شدید در زندگی، به الگو و سرمشق نیاز دارند و در نخستین گام، پدر و مادر را سرمشق خویش قرار می‌دهند. شایسته نبودن الگو و نیز فقدان روابط عاطفی مطلوب میان والدین، بر شخصیت فرزندان اثری نامطلوب می‌گذارد (فلاح رفیع، ۱۳۹۱، ص ۳۵).

### ۳. اصل عزت و احترام متقابل

عزت، حالتی است که اجازه نمی‌دهد آدمی مغلوب کسی یا چیزی شود و شکست بخورد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۳) عزت درباره انسان، یعنی آبرو و شخصیت و کرنش نکردن در برابر زر و زور (عبدوس و اشتهازی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۷۸). یکی از آموزه‌های وحیانی، احترام به دیگران است. هر فرد با احترام گذاشتن به حقوق دیگران، به خویش احترام می‌گذارد؛ زیرا مراعات حقوق دیگران افزون بر اینکه موجب می‌شود تا دیگران نیز نسبت به حقوق ما

احترام بگذارند و حقوق ما را مراعات کنند، عامل اصلی در احترام به خویشتن خویش است و این امر، نشان دهنده دستیابی به کمالات اخلاقی است که هدف بعثت پیامبر ﷺ بوده است (رفیعی، ۱۴۰۱، ص ۲۲۴).

یکی از عوامل مؤثر در تربیت اسلامی فرزندان، حاکمیت فرهنگ احترام متقابل در خانواده است. تکریم شخصیت، نیاز طبیعی هر انسان است و هر کسی دوست دارد شخصیتش گرامی داشته شود (قائم امیری، ۱۳۸۳، ص ۲۵۸). عزت، صفتی واقعی، وجودی، اکتسابی و معیار آن ایمان است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون: ۸). مربیان تربیتی باید برای ایجاد احساس عزت واقعی در متربی و رعایت عزت او تلاش کنند؛ چرا که گاه انسان بدون داشتن عزت واقعی احساس عزتمندی می‌کند و این احساس پوچ، برایش فایده‌اش ندارد (امیدی و قمشی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۶). احترام به شخصیت نه تنها در محیط خانواده از ارکان اساسی تربیت کودک است؛ بلکه این سنجیه انسانی از پایه‌های مهم زندگی اجتماعی و از وظایف دینی و علمی همه مردم است (فلسفی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۸۰). یکی از آثار احترام متقابل، ارتباط عاطفی میان والدین و فرزندان است. در ارتباط عاطفی، تبادل محبت و عواطف وجود دارد و کمبود و توجه احساسات مثبت از سوی اطرافیان جبران می‌شود و خلأ عاطفی از میان خواهد رفت. این نوع رابطه می‌تواند به صورت ابراز علاقه، گفتگوی دوطرفه و درک طرف مقابل نمایان شود. هر چه رابطه عاطفی شخص با اطرافیان قوی‌تر باشد، آرامش روانی بیشتری برایش به ارمغان می‌آورد و در میان جمع صمیمیت بیشتری احساس خواهد کرد (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۳۴). اگر کودک از والدین خود احساس بی‌احترامی کند، دیگر سخنان و تعلیمات آن‌ها نه تنها در او اثری نخواهد داشت؛ بلکه اثر معکوس و ضد تربیتی نیز دارد، ولی اگر به آن‌ها همانند افرادی که صاحب حق و حقوق هستند یا به عنوان افرادی ویژه و خاص احترام گذاشته شود، آن‌ها نیز احترام گذاشتن به والدین و اهمیت دادن به آن‌ها را می‌آموزند (حسینی‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۷۸).

#### ۴. اصل حسن معاشرت

اگر تعبیر حسن معاشرت به عنوان یک وظیفه برای شوهر و یک حق برای زن و نیز عامل



تحکیم خانوادگی به خوبی بیان شود، نشان دهنده تمام اموری است که مرد در برابر زن باید انجام دهد (بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۴). لوازم حسن معاشرت را نمی توان به دقت معین کرد؛ زیرا عادات و رسوم اجتماعی، درجه تمدن و اخلاق مذهبی در میان هر قوم، مفهوم خاصی از حسن معاشرت را به وجود می آورد. این در حالی است که تمام اموری که از نظر اجتماعی توهین محسوب می شود مانند ناسزاگویی، ایراد ضرب، مشاجره، تحقیر یا اموری که با عشق به کانون خانواده و اقتضای محبت میان دو همسر منافات دارد همچون ترک خانواده، بی اعتنائی به همسر و خواسته های او و اعتیاد های مضر، از مصداق های سوء معاشرت در خانواده است. اگر چه تکلیف مربوط به حسن معاشرت جنبه اخلاقی دارد، اما از نظر حقوقی نیز بی ضمانت اجرا نمانده است؛ زیرا سوء معاشرت زن، استحقاق او را در گرفتن نفقه از بین می برد (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۱۹).

یکی از موارد حسن معاشرت، خوش رویی و خوش اخلاقی است. خوش رویی والدین با همدیگر و فرزندان، از عوامل مهم در پرورش شخصیت عاطفی مطلوب اسلامی است که در ایجاد صفا، آرامش روانی، اعتماد به نفس و شکوفایی استعداد های فرزندان تأثیر بسیاری دارد (حسین زاده، ۱۳۸۸، ص ۵۶).

## ۵. اصل ایثار و بخشش

ایثار به معنای برگزیدن، دیگران را بر خویش مقدم داشتن و مانند آن است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۶۸) و در اصطلاح عبارت است از بخشش به کسی در مورد چیزی که خود فرد به آن نیاز دارد (نراقی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۲۲). بخشش، رویارویی منطقی با تألم ناشی از جراحت روحی و بازسازی احساس ها و باور های شخصی است (دیویس، ۱۳۸۲، ص ۷۵). اگر مرد و زن دوستانه و از روی معرفت، راه عفو و گذشت را پیشه خود کنند و برای این حقیقت ملکوتی، مدتی کوتاه تمرین نمایند، پس از اندک زمانی به این صفت ملکوتی آراسته می شوند (روحی، ۱۳۹۰، ص ۷۴) لجاجت ها، خود خواهی ها، نبودن روحیه گذشت و ایثار و نیز نادیده گرفتن خطاهای کوچک و ضعف های ناچیز، موجب بروز مسائلی می شود که رفته رفته بزرگ می شود و مشکلات، عرصه را بر زندگی سخت می کند. همان گونه که رکن حیات دشت و صحرا، باران و به ویژه باران

کوهستانی است؛ رکن حیات خانوادگی عطوفت زوجین و گذشت است که هم به زندگی خود آنان و هم به زندگی فرزندان صفا و جلا و خرمی می دهد (محدثی، ۱۳۸۹، ص ۲۷۱). خانواده‌ای که در آن گذشت و ایثار به عنوان اصل حاکم و برگزیده وجود داشته باشد، در تربیت فرزند نیز بسیار موفق است؛ زیرا چنین محیط‌های گرمی، بهشتی دنیوی برای فرزندان نیز خواهد بود و طعم شیرین زندگی را به آنان خواهد چشانند (محدثی، ۱۳۸۰، ص ۱۲).

## ۶. اصل شادابی

در فرهنگ و ادب فارسی برای شادی مفاهیمی همچون خوش و خرم، سرور، تازگی، طراوت، شادمانی، سرزندگی، زنده دلی، سبکی و چالاکی، طرب، خرسندی، خجستگی، کامروایی، رغبت درونی، ضد افسردگی و نظیر آن در نظر گرفته شده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ص ۱۹۸۷). برای شادی تعاریف مختلفی بیان شده است، اما جامع‌ترین تعریف از شهید مطهری است که معتقد است سرور، حالت خوش و لذت بخشی است که از علم و اطلاع بر اینکه یکی از هدف‌ها و آرزوها انجام یافته است یا انجام خواهد یافت؛ به انسان دست می دهد (مطهری، بی تا، ج ۲، ص ۶۶) در دین اسلام نیز مفهوم شادی بارها با الفاظ مختلف در قرآن کریم بیان شده است (ر.ک: یونس: ۵۸، غافر: ۷۵). این مفهوم در مجموع ۲۵ بار با الفاظ مختلفی همچون «فرح»، «فرحوا»، «تفرّح»، «فرحون» و «فرحین» در قرآن آمده و به معنای خوشحالی، سلامت و مسرت تعریف شده است (لقمانی، ۱۳۸۰، ص ۱۸).

در میان مجموعه علایق و رغبت‌های آدمی، گرایش به شادی و نشاط موقعیت و جایگاه خاصی دارد؛ زیرا نفس آدمی از هر آنچه نشاط آور و آرام بخش باشد، استقبال می کند و از هر عامل رنج و آزار روی گردان است. انسان‌های سالم و بهنجار هر چیزی همچون شادابی، سرزندگی و موفقیت را برای خود می خواهند، همان را برای همسر و فرزندان‌شان نیز طلب می کنند و در جستجوی راه‌هایی برای افزایش شادی و بهجت قلبی برای خود و خانواده خویش هستند (شرفی، ۱۳۸۹، ص ۸۸). شادکامی می تواند انسان را برای ادامه زندگی به راه‌های بهتر راهنمایی کند؛ زیرا هیجان مثبت ناشی از شادکامی به مسئله گشایشی موفق و درنگ بیشتر در زندگی منجر می شود. شادکامی اثرهای مثبتی بر ادراک، شناخت و تعامل اجتماعی

دارد و در افزایش خلاقیت و عمر طولانی نیز مؤثر است (کار، ۱۳۸۵، ص ۲۷).

دین اسلام به همه شئون حیاتی انسان ژرف نگرینسته، متناسب با نیازهای واقعی او برای تعالی هر چه بیشتر برنامه‌هایی را ارائه کرده و شادی و نشاط و عوامل نشاط‌انگیز را که لازمه یک زندگی موفق است، به انسان معرفی و توصیه کرده است (دانش، ۱۳۸۴، ص ۴۸). شادابی در خانواده موجب پویایی ذهن و فکر کودکان و خلاقیت آن‌ها می‌شود. اصل شادابی و نشاط برای تربیت دینی فرزند، بسیار ضروری و مهم است. فقدان این اصل، بی‌دینی، بی‌هویتی و مشکلات روحی و روانی زیادی را به همراه می‌آورد و در چنین محیطی تربیت فرزند با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شود و فضای تربیتی سالم جایگاه خود را به فضای ضد تربیتی می‌دهد.

## ۷. اصل حیا

حیا در لغت به معنای خودداری نفس از زشتی‌ها و ترک آن‌هاست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۷۰) حیا در اصطلاح به حالتی که هنگام مواجهه شدن با فعل قبیح رخ می‌دهد و در واقع همان حالت انکسار، انفعال و ضد علاقه‌مند بودن است، گفته می‌شود (پسندیده، ۱۳۸۲، ص ۲۱) حیا، نیرو و توان درونی مهار خود و تنظیم درونی رفتارها، افکار و هیجان‌ها از ارکان بنیادین موفقیت بشر، چه در بُعد شخصی و چه در بُعد اجتماعی است. در نظام اخلاقی و شایستگی‌های اخلاقی، حیا در رأس مکارم اخلاقی است (پسندیده، ۱۳۸۲، ص ۷). خانواده مانند ظرفی است که در آن اخلاق و مقدرات کودک شکل می‌گیرد. سرمشق‌های دوران طفولیت برای همیشه در ذهن فرزندان می‌ماند و مانند کلماتی است که روی سنگی کنده شده باشد. همه قوانین و خوبی‌ها و بدی‌های جامعه از خانه ریشه می‌گیرد (شریفی خوانساری، ۱۳۸۶، ص ۱۲۲ و ۱۲۳).

یکی از مصادیق حیا و عفت زنان، حفظ حجاب و پوشش ظاهری در برابر مردان نامحرم است. در حقیقت یکی از امور اساسی برای پاکی جامعه، عمل به قانون حجاب است. محال است جامعه‌ای از پاکی برخوردار باشد و زنان آن بی‌بند و بار و بی‌حجاب باشند؛ زیرا بی‌حجابی و بای جامعه است و اگر این بیماری در جامعه راه یابد، آن را به فساد و نابودی می‌کشاند (موحد قزوینی، ۱۳۸۸، ص ۸۹) حجاب و پوشیدگی، سدّ برزگی بر سر راه اختلاط زنان و

مردان در محیط خارج از خانواده است و هر چه اختلاط زن و مرد بیگانه کمتر باشد، خانواده کمتر آسیب می بیند. هر اندازه اختلاط بی رویه و بی مرز در میان زنان و مردان گسترش پیدا کند، خیانت به کانون خانواده فزونی می یابد و ارکان آن متزلزل می شود. هر رفتاری که از والدین سر می زند، روی فرزندان اثر می گذارد. از این رو پدران و مادران با حیا که همواره در محیط خانواده از رفتار و گفتار منافی با عفت در حضور فرزندان دوری می کنند، می توانند فرزندانی با حیا داشته باشند. وقتی محیط تربیتی کودک پاک باشد، کودک به درستی تربیت می شود و دوران قبل از بلوغ را با پاکی و سلامت جسم و جان می گذرانند و بدون کوچک ترین خطری رشد می کنند. این در حالی است که اگر محیط تربیتش آلوده باشد و پدر و مادرش فاسد باشند، کودک در معرض خطرات گوناگونی قرار می گیرد (وحدتی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸).

#### ۸. اصل صبر و بردباری

خداوند در قرآن کریم انسان ها را به صبر و بردباری سفارش کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره: ۱۵۳)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! از صبر و نماز کمک بگیرید که خداوند با صابران است» و نیز فرموده است: ﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ﴾ (بلد: ۱۷)؛ «و آن گاه هم از آنان باشد که ایمان آوردند و یکدیگر را به اهمیت صبر و مهربانی با خلق سفارش کردند».

صبر در اصطلاح عبارت است از حفظ و نگهداری نفس در چارچوب عقل و شرع؛ یعنی نگه داشتن نفس از آن چیزهایی که عقل و شرع اقتضاء می کنند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۷۴) بقای تن با بقای سر، و مغز فرمانده تمام اعضای بدن انسان است؛ زیرا تمام وسایل ارتباطی انسان با مقام خارج در سر مستقر است؛ چنانکه تمام اهداف انسانی اعم از تربیتی، اجتماعی، علمی و فرهنگی با مقاومت و بردباری ارتباط مستقیم دارد. زندگی مشترک زن و مرد با وجود مشکلات فزاینده و متلاطم امروزی ممکن است آن ها را دچار تنش ها و ناخشنودی، دلگیری ها و ناملایمانی کند که تنها صبر و تحمل می تواند چاره ساز آن باشد، به حفظ کانون خانوادگی کمک کند و از بروز مشکلات جدیدتری همچون فروپاشی کانون خانواده، گرفتاری در دادگاه ها و طلاق پیشگیری نماید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ص ۴۳). این صفت اخلاقی

به امور دینی اختصاص ندارد و هر انسانی برای هر اقدامی و هر هدف ریز و درشتی که در روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌های زندگی خود دنبال می‌کند، باید به صبر که لازمه دستیابی به آن هدف‌هاست؛ پایبند باشد. طبیعی است هر اندازه هدف آدمی بزرگ‌تر و دستیابی به آن دشوارتر و نیازمند زمان باشد، به همان میزان به صبر بیشتری نیاز دارد (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۱۰۳). اهمیت صبر در تربیت فرزند تا آنجاست که رسول خدا ﷺ به عنوان مقتدای بزرگ مسلمانان، در تعلیم و تربیت کودکان خانواده شرکت می‌کرد و در این راه شکیبا و استوار بود تا هر چه بهتر بتواند این وظیفه سنگین را انجام دهد و برای دیگران نیز اسوه و الگو باشد (بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۵) اگر مربی دینی به کار خود ایمان داشته باشد و محبت الهی را در دل پیرواند، سختی‌های کار خود را به جان می‌خرد و نه تنها صبر می‌کند؛ بلکه شکرگزار نیز خواهد بود؛ زیرا سختی‌ها را نشانه رویکرد محبوب رؤف رحیم به خود می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۲۶۷ و ۲۷).

### نتیجه‌گیری

یکی از اساسی‌ترین اهداف برای زندگی، داشتن فرزندان سالم و صالح است که ثمره و میوه زندگی هستند. از این رو والدین باید تمام سعی و تلاش خود را برای رسیدن به این هدف بزرگ به کار گیرند و اصول اخلاقی در خانواده را رعایت کنند تا فرایند تربیت دینی فرزندان به درستی انجام شود. یکی از اصول اخلاقی خانواده، تقوا به معنای خویش‌تنداری برای عقوبت الهی است که آرامش را برای زندگی به ارمغان می‌آورد، دل را از آشوب‌ها و ناملایمات رها می‌کند، از سلامت روان خانواده مراقبت می‌نماید و بذریع ایمان و فضیلت را از دوران اول زندگی در نهاد فرزندان می‌کارد و او را با درستی و پاکی رشد می‌دهد. بر کسی پوشیده نیست که یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری‌ها، عواطف هستند تا آنجا که هر گونه اختلال در عواطف انسان موجب چالش‌های عمیق در رشد شخصیتی آن‌ها می‌شود. اگر والدین به کودک محبت کنند، می‌توانند فضای تربیتی را آن‌گونه که شایسته است، پیش ببرند. فضای صمیمی و ارتباط عاطفی با کودک، زمینه فرمان‌پذیری و ارتباط‌گیری را در کودک افزایش و رشد می‌دهد.

تکریم شخصیت، نیاز طبیعی هر انسان است. هر فردی دوست دارد شخصیتش گرامی داشته شود. از این رو حفظ نکردن حرمت‌ها و نادیده گرفتن حصار شخصیتی موجب از بین رفتن فضای تربیتی و نتیجه معکوس بر شخصیت دو طرف می‌شود. اگر احترام متقابل در خانواده وجود داشته باشد، خانواده نیز تربیت را با شدت و علاقه بیشتری دنبال می‌کند و تربیت را با سهولت به سرانجام می‌رساند. حسن معاشرت نیز یک وظیفه برای شوهر و یک حق برای زن و عامل تحکیم خانوادگی است که اگر به خوبی به آن عمل شود، نشان‌دهنده تمام آن اموری است که مرد در برابر زن باید انجام دهد. افزون بر والدین، فرزندان با تکیه بر این اصل اعتماد به نفس و زمینه شکوفایی استعدادها را به دست می‌آورند و شخصیت عاطفی مطلوب اسلامی آن‌ها شکل می‌گیرد. از آنجا که ممکن است زندگی‌های متلاطم امروزی دچار تنش و ناخشنودی، دلگیری و ناملایمانی شود، تنها صبر و تحمل می‌تواند چاره‌ساز آن باشد، به حفظ کانون خانوادگی کمک کند و از بروز مشکلات جدیدتر مانند فروپاشی کانون خانواده، گرفتاری در دادگاه‌ها و طلاق پیشگیری کند.

لجاجت، خودخواهی، عدم وجود روحیه گذشت و ایثار و نیز نادیده گرفتن خطاهای کوچک و ضعف‌های ناچیز موجب بروز مشکلاتی می‌شود که اندک اندک عرصه را بر زندگی سخت می‌کند. تمرین ایثار و گذشت در مدت کوتاهی می‌تواند به حقیقتی ملکوتی برای انسان تبدیل شود و زندگی آشفته‌ای را که هر روز با کوچک‌ترین مسائل به هم ریخته می‌شود، به بهشتی کوچک برای پرورش و تربیت میوه زندگی تبدیل کند. از دیگر اصول اخلاقی خانواده، اصل شادابی لازم‌تربیت مطلوب دینی فرزند است. شادابی در خانواده موجب پویایی ذهن و فکر کودکان و خلاقیت آن‌ها می‌شود. این اصل برای تربیت دینی فرزند بسیار ضروری و مهم است و فقدان آن موجب بی‌دینی، بی‌هویتی و مشکلات روحی و روانی زیادی می‌شود.

حیا یکی دیگر از اصول اخلاقی خانواده و سدّ محکمی برای نفوذ بیگانگان به فضای زندگی و تربیتی است. اسلام با بیان این اصل مهم به عنوان سپر حفاظتی خانواده و منع اختلال زن و مرد نامحرم، تربیت فرزندان را در مسیر حیا و عفت قرار داده است تا فرزندان

با الگوگیری صحیح به این صفت حسنه نائل آیند. اصل صبر نیز در تمام مراحل تربیت، حقیقتی انکارناپذیر و چراغی برای ادامه مسیر است؛ چنانکه در سیره پیشوایان امت، صبر در تمامی مراحل زندگی آنان به چشم می خورد. اصل صبر برای تربیت فرزندان مطلوب دینی همچون آب برای گیاه در تمامی مراحل رشد ضروری است و بدون آن تربیتی شکل نمی گیرد.



## فهرست منابع

### فارسی

۱. امیدی، محمود و سیف‌الله قمشی، (۱۳۹۵)، «درآمدی بر اصول فرزندپروری با تأکید بر سیره علوی»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اخلاق کاربردی، دوره ۶، ش ۲۲، ص ۲۷۲-۲۵۱.
۲. امینی، ابراهیم، (۱۳۸۴ ش)، اسلام و تعلیم و تربیت، قم: بوستان کتاب.
۳. باقری، خسرو، (۱۳۹۰ ش)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه.
۴. بهشتی، احمد، (۱۳۷۷ ش)، خانواده در قرآن، قم: بوستان کتاب.
۵. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰ ش)، اسلام و حقوق کودک، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.
۶. پرچم، اعظم، فاتحی زاده، مریم، اللهیاری، حمیده، (۱۳۹۱)، «مقایسه سبک‌های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام»، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۲۰، ش ۱۴، ص ۱۳۸-۱۱۵.
۷. پسندیده، عباس، (۱۳۸۲ ش)، پژوهشی در فرهنگ حیا، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
۸. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۷ ش)، کتاب زن، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۹. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۴ ش)، دانش و روش بندگی، قم: اسراء.
۱۰. چهری، طیب و مسعود صفایی مقدم، (۱۳۹۲)، «جایگاه تربیت عاطفی در تعلیم و تربیت اسلامی»، چهارمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران، مشهد.
۱۱. خانزاده، عباس علی و فرشته میرزایی کوتناهی، (۱۳۹۶)، «نقش انسجام خانواده در تعامل والد-فرزند در تبیین حرمت خود دانش‌آموزان»، فصلنامه علمی- پژوهشی اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۱۳، ش ۱، ص ۹۳-۸۱.
۱۲. حسین زاده، علی، (۱۳۸۸ ش)، همسران سازگار، راه‌های سازگار، چاپ سوم، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ع).
۱۳. حسینی همدانی، محمد، (۱۴۰۴ ق)، انوار درخشان، محقق: محمدباقر بهبودی، چاپ اول، تهران: کتابفروشی لطفی.
۱۴. داوودی، محمد، (۱۳۸۷ ش)، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. دانش، شکرالله، (۱۳۸۴ ش)، شادی و نشاط در متون اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۷۹ ش)، منظر مهر: مبانی تربیت در نهج البلاغه، تهران: دریا.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳ ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. رضایی، محمدعلی، (۱۳۸۷ ش)، تقوا، تهران: سروش هدایت.
۱۹. رفیعی، ناصر، (۱۴۰۱)، «اهمیت و جایگاه احترام در زندگی با تأکید بر سبک زندگی حضرت فاطمه (ع)»، فصلنامه علمی- تخصصی ره‌توشه، دوره ۳، سال ۱۴۰۱، ش ۹، ص ۲۳۱-۲۲۳.
۲۰. روحی، زهرا، (۱۳۹۰)، «تحکیم خانواده و راه‌های تقویت آن»، فصلنامه علمی- پژوهشی طهورا، سال چهارم، ش ۱۱، ص ۱۲۹-۱۰۹.



۲۱. سبحانی‌نیا، محمدتقی، (۱۳۹۶ ش)، قرآن کتاب اخلاق، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
۲۲. شرفی، محمدرضا، (۱۳۸۹ ش)، مهارت‌های زندگی در سیره رضوی، مشهد: انتشارات قدس رضوی.
۲۳. شریعتی، صدرالدین و فاطمه صحرایی، (۱۳۹۸)، «بررسی نقش والدین در تربیت عاطفی کودک با بهره‌گیری از سیره امام رضا (ع)»، فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، دوره ۱۰، ش ۳۸، ص ۸۰-۵۹.
۲۴. شریفی خوانساری، محمدرضا، (۱۳۸۶ ش)، حقوق فرزند بر والدین، قم: انتشارات بنی الزهراء (ع).
۲۵. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، (۱۳۹۲ ش)، روان‌شناسی رشد، چاپ اول، تهران: فجر.
۲۶. شکوهی، غلام‌حسین، (۱۳۶۷ ش)، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۷. شهپیری، زکیه، (۱۳۹۱)، «نقش و مسئولیت اشتراکی و اختصاصی پدر و مادر در تربیت فرزندان»، تحقیق پایانی سطح ۲، چناران: مدرسه علمیه معصومیه چناران.
۲۸. عبدوس، محمدتقی و محمد مهدی اشتهازی، (۱۳۷۵ ش)، بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان (ع)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۹. فرمهینی فراهانی، محسن، (۱۳۹۰ ش)، تربیت در نهج البلاغه، تهران: آبیژ.
۳۰. فلاح رفیع، علی، (۱۳۹۱)، «روش‌شناسی الگو در انتقال ارزش‌ها»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال چهارم، ش ۲، ص ۵۷-۳۳.
۳۱. فلسفی، محمدتقی، (۱۳۷۷ ش)، کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی.
۳۲. قائمی امیری، علی، (۱۳۸۳ ش)، خانواده و مسائل همسران، چاپ سیزدهم، تهران: امیری.
۳۳. قدمی، کفایت، (۱۳۹۴)، «اصول حاکم بر تربیت از منظر قرآن با تأکید بر سوره مبارکه فرقان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بابلسر: دانشگاه مازندران.
۳۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲ ش)، حقوق مدنی خانواده، تهران: بهمن برنا.
۳۵. کردان، علی محمد و علیرضا اعرافی، محمدجواد پاک‌سرشت، علی‌اکبر حسینی و حسین ایرانی، (۱۳۷۲ ش)، فلسفه تعلیم و تربیت، چاپ اول، بی‌جا: سمت.
۳۶. لقمانی، محمود، (۱۳۸۰ ش)، نگاهی نو در آیین معارف به خنده، شوخی و شادمانی، تهران: عطر سعادت.
۳۷. محدثی، جواد، (۱۳۸۰ ش)، آشنایی با اصول و عوامل تحکیم خانواده، قم: بقیة‌الله.
۳۸. محدثی، حمیده، (۱۳۸۹)، «راهکارهای تحکیم بنیان خانواده»، فصلنامه علمی- پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره ۸، ش ۴، ص ۲۷۵-۲۷۰.
۳۹. مطهری، مرتضی، (بی‌تا)، مقالات فلسفی، تهران: صدرا.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا، (۱۳۸۶ ش)، برگزیده تفسیر نمونه، تنظیم احمد علی بابایی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۱. وحدتی، راضیه، (۱۳۸۰ ش)، حیا و روح زندگی، چاپ اول، تهران: نشر موثقی.
۴۲. همت بناری، علی، (۱۳۹۴)، «اصول فرزندپروری در سبک زندگی اهل بیت (ع)»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناختی، دوره ۹، ش ۱۶، ص ۱۵۴-۱۳۵.

## عربي

٤٣. جرجاني، علي بن محمد، (١٤٠٣ق)، التعريفات، بيروت: دارالكتب العلميه.  
٤٤. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، (١٤١٢ق)، مفردات الفاظ قرآن، بيروت: دارالشاميه.  
٤٥. مجلسي، محمدباقر، (١٤٠٣ق)، بحار الانوار، بيروت: مؤسسهُ الوفاء.  
٤٦. نراقي، ملامهدي، (١٣٦٨ق)، جامع السعادات، تعليق و تصحيح سيد محمد كلانتر، بيروت: مؤسسهُ الأعلمی للمطبوعات.

